

بررسی رابطه هوش عاطفی و مهارت های ارتباطی بر اساس متغیرهای جمعیتی شناختی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه استان تهران

جواد سلیمانپور^۱، شقایق تیلاب^۲، سولماز مظفری^۳

۱) استاد یار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

۲) دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

۳) دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

نویسنده مسئول:

جواد سلیمانپور

چکیده

هدف از انجام این تحقیق تعیین رابطه هوش عاطفی و مهارت های ارتباطی بر اساس متغیرهای جمعیتی شناختی در بین دانش آموزان مقطع متوسطه استان تهران بوده است. برای این منظور از دو پرسشنامه هوش عاطفی، مهارت های ارتباطی استفاده گردید. تعداد ۱۲۲ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه جامعه مورد مطالعه به عنوان نمونه در این تحقیق شرکت کردند. روش های آماری مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون، آزمون t استودنت در گروه های مستقل و تحلیل واریانس بود. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که: بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری وجود دارد. بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود ندارد. بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرای ارتباط معنی داری وجود دارد. بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود دارد. بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرای ارتباط معنی داری وجود دارد. بین جنسیت و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی وجود ندارد. بین جنسیت و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی وجود ندارد. بین جنسیت و انتخاب راهبرد راه حل گرای ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی وجود ندارد. بین سن و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد. بین سن و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد. بین سن و انتخاب راهبرد راه حل گرای ارتباط معنی داری در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود دارد. بین جنسیت و هوش عاطفی در دانش آموزان تحت بررسی اختلاف معنی داری وجود ندارد. بین سن و هوش عاطفی در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

کلید واژه: هوش عاطفی، مهارت های ارتباطی، متغیرهای جمعیتی شناختی، دانش آموزان.

مقدمه

مدرسه به عنوان یک عامل اجرایی در آموزش و تربیت فرد و هدایت وی به سمت شهروندی موثر و مفید به حال جامعه، دارای نقش موثر بوده و بدون تردید تامین کننده ی نیروی انسانی مورد نیاز جامعه در آینده خواهد بود. به همین دلیل امروزه در جوامع مختلف، مدرسه ها از نظر کمی و کیفی رشد و گسترش یافته و تقاضا برای راهیابی روز به روز زیاده تر می شود و تعداد کثیری دانش آموز برای تحصیل و برخورداری از مزایای آن به این مراکز روی می آورند.

دانشگاه بعنوان یک نهاد تعلیم و تربیت از همه نهادهای اجتماعی پیچیده تر است. دانشگاه همانند سایر سازمان های رسمی بایستی با وظایف ساخت، اداره و جهت دادن به ترکیب پیچیده ای از منابع انسانی درگیر گردد.

یکی از ابعاد وجودی انسان بعد اجتماعی اوست، به گونه ای که گفته اند انسان موجودی اجتماعی است و باید در بستر اجتماع با هموعان خود زندگی کند. سپس همان طور که دیگر ابعاد قوت مانند بعد شناختی و زیستی از رشد مناسب برخوردار می شود، بعد اجتماعی او نیز باید به رشد و تکامل کافی برسد تا بتواند به تدریج تا در صحنه های گوناگون با دیگران، روابط مناسب تری داشته باشد، مهارت های اجتماعی را یاد بگیرد و در تکامل با هموعان خود به یک رشد هماهنگ در تمام ابعاد وجود خود دست یابد. حال اگر به هر دلیلی فرایند اجتماعی شدن و یادگیری مهارت های ارتباطی با دیگران و اطرافیان به درستی تحقق پیدا نکند، و دچار اضطراب و فشارهای روانی ناشی از آن می شود و در زمانی که به صحنه های متنوع اجتماعی گام می نهد، فشار و ناراحتی و کمبودی را بیشتر احساس می کند. برای رسیدن به یک وضعیت خوب و مطلوب ارتباطی لازم است تا فرد مهارت های متفاوتی را فرا گرفته و در مرحله عمل آن ها را اجرا نماید، رسیدن به این هدف یعنی برقراری ارتباط موثر با دیگران و مورد احترام بودند و به عنوان فردی قابل احترام مطرح شدن و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و حدود و کیفیت آن ها بستگی به قابلیت ها و توانایی های فرد در ابعاد مختلف دارد. به طور عمده برقراری ارتباط موثر در کودکان و نوجوانان می تواند علت رفتارهای پرخاشگرانه و یا گوشه گیری و انزوا در آنان باشد. (میری و بخشایش، ۱۳۹۴).

برای انسان زندگی اجتماعی سالم و سودمند تعلیم و تربیت لازم است. در گذشته به جهت سادگی جوامع بشری، آموزش از شکل ساده و ابتدایی برخوردار بود، چنانکه این امر در خانواده صورت می رفت. با پیچیده تر شدن زندگی و احتیاج به آموزش های سطح بالا و کسب مهارت های لازم برای ساخت لوازم و وسایل و فراهم کردن امکانات زندگی، و از طرفی سازگاری با این محیط پیچیده، مدارس به شکل امروزی تاسیس شدند. چنانکه ادامه حیات جمعی، یعنی انتقال میراث فرهنگی یک جامعه و گسترش و پیشرفت آن تا حدود زیادی از طریق مدرسه صورت می گیرد. امروزه تحقیقات نشان داده است که هر مدرسه ای که از نشاط و شادکامی بیشتری برخوردار باشد از کیفیت و کارایی بالاتری نیز برخوردار است. ایجاد و حفظ طراوت و شادابی که تشکیل یافته از رضایت + سطح لذت باعث مسرت، نشاط، دل خوشی و خوشبینی افراد در جامعه، مدارس و سایر نهادهای کشور می شود (براساس نظریه های اندیشمندان مختلف از جمله برتراند راسل که اظهار داشته است: رغبت همگانی ترین و متمایزترین نشانه های انسان شاد است، یعنی رفتار توام با اشتیاق و رغبت. و یا پرفسور مک گیل از اندیشمندان معاصر معتقد است: شادی دوست داشتن است.) بوجود آمدن مدرسه ای شاد و با نشاط و با کیفیت در آموزش و پرورش به عوامل مختلف بستگی دارد. این عوامل عبارتند از: مدیران، معلمان، دانش آموزان، که این اشخاص به نوبه خود تحت تاثیر هوش هیجانی قرار دارند. هوش هیجانی موجب قوی تر شدن مهارت های اجتماعی افراد می شود به طوریکه آنها به راحتی می توانند رفتار دیگران را در سمتی که می خواهند اداره کنند، خواه با توافق او برای ایجاد رفتار جدیدی باشد، خواه برانگیختن او برای ایجاد رفتار، عملکرد یا تولید رفتار جدید باشد. (کرمی، ۱۳۹۴)

جردن و هارتل^۳ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان ((هوش عاطفی به عنوان عامل معتدل کننده برای واکنش های عاطفی و رفتاری نسبت به ناامنی شغلی)) به این نتیجه رسیدند که کارکنان با هوش عاطفی پائین در مقایسه با کارکنانی که از هوش عاطفی بالایی برخوردار بودند، در رابطه با ناامنی شغلی واکنش های منفی را تجربه کرده و از راهبردهای سازگاری منفی استفاده می کرده اند. طبق نتایج به دست آمده از این تحلیل داده ها نشان داد که هوش هیجانی و مهارت های ارتباطی با عملکرد شغلی در سطح یک درصد ($p < 0/01$) رابطه مستقیم معنی دار دارند. از طرفی شدت رابطه هوش هیجانی با عملکرد شغلی از شدت رابطه مهارت های ارتباطی با عملکرد شغلی بیشتر است. همچنین در بین ابعاد هوش هیجانی ابعاد حل مساله، شادمانی، استقلال، خودشکوفایی، خودآگاهی هیجانی، روابط بین فردی، خوش بینی، احترام به خود، مسئولیت پذیری، و همدلی با عملکرد شغلی رابطه مستقیم معناداری در سطح یک درصد ($p < 0/01$) وجود دارد که بالاترین همبستگی را روابط بین فردی با عملکرد شغلی دارد. از طرفی در بین ابعاد مهارتهای ارتباطی تنها

بینش نسبت به فرآیند ارتباط با عملکرد شغلی رابطه مستقیم معناداری در سطح یک درصد ($p < 0/01$) دارد. (صانع، حسینی، مسعودی و ابراهیمیان، ۱۳۹۵)

کلمنت و افزالور (۲۰۰۲) در تحقیقی که با عنوان «ارتباط میان مؤلفه های هوش عاطفی و راهبردهای مدیریت تعارض در ۷ کشور آمریکا، یونان، چین، بنگلادش، هونکونگ، پرتغال و آفریقای جنوبی» انجام دادند، به نتایج زیر دست یافتند: ۵ مؤلفه هوش عاطفی با راهبردهای حل مسئله دارای رابطه ی مثبت و با راهبرد مذاکره دارای رابطه ی منفی بودند.

یافته های قلی پور و مصرآبادی (۱۳۹۶) حاکی از آن است که در پیش بینی بی انضباطی دانش آموزان، متغیر رشد اجتماعی دارای ضریب معنادار بوده با این حال ضریب مهارت های ارتباطی در پیش بینی بی انضباطی معنادار نبود. در مجموع یافته های پژوهش حاکی از آن است که رشد اجتماعی باعث کاهش بی انضباطی و ضعف رشد اجتماعی باعث افزایش بی انضباطی می گردد.

گلمن تحقیقی بر روی ۹۵ نفر از افرادی که در سال ۱۹۴۰ دانشجوی دانشگاه هاروارد بودند و اکنون به میانسالی رسیده بودند، انجام داد. نتایج نشان داد که تیز هوش ترین افراد آن سالها، در مقایسه با دانشجویان متوسط موفق نبودند و بویژه از لحاظ درآمد، پر کاری و بارآوری در وضعیت پایین تری قرار داشتند. آنها همچنین از لحاظ رضایت خاطر در زندگی بهترین افراد نبودند و در رابطه با دوستان، خانواده و روابط عاطفی و زناشویی شادترین افراد محسوب نمی شدند (گلمن، ۱۹۹۵).

در تحقیقی که توسط اسدی (۸۳-۱۳۸۲) با عنوان «بررسی رابطه هوش عاطفی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی» انجام گرفت؛ نتایج زیر به دست آمد: یافته های تحقیق در قالب یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و هر ۶ فرضیه پژوهش تأیید شدند و مشخص شد که بین متغیر هوش عاطفی و سازگاری اجتماعی که فرضیه اصلی پژوهش می باشد و مؤلفه های هوش عاطفی و سازگاری اجتماعی رابطه معناداری در سطح (۰/۰۵) وجود دارد.

پژوهشی توسط زارع (۱۳۸۰) تحت عنوان ((مطالعه سهم هوش عاطفی در موفقیت تحصیلی)) صورت گرفته است. در این پژوهش به منظور بررسی توان پیش بینی کنندگی هوش عاطفی در موفقیت تحصیلی از پرسشنامه هوش عاطفی بار - آن استفاده شده که نتایج آن چنین است: بین هوش عاطفی و موفقیت تحصیلی، همبستگی معنی داری وجود دارد. بین هوش عاطفی و هوش شناختی، همبستگی معنی داری وجود دارد. بین دختران و پسران، در نمره کل هوش عاطفی بار - آن تفاوت معنی دار مشاهده نشد. در خرده مقایس های همدلی و روابط بین فردی، دختران امتیاز بیشتری کسب کردند. پسران در خرده مقیاس های تحمل فشار و نسبت به دختران امتیاز بیشتری بدست آوردند.

نتایج پژوهش کیزوری، احمد نیا و عاقبتی، (۱۳۹۶) نشان داد که بین هوش عاطفی با ابعاد هویت (هنجاری، معنایی، تعهد، سبک اطلاعات فردی و سبک اطلاعات جمعی) در دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین هوش عاطفی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین ابعاد هویت (هنجاری، معنایی، تعهد، سبک اطلاعات جمعی و فردی) با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هوش عاطفی و ابعاد هویت ۲۱ درصد واریانس عملکرد تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کند.

روش تحقیق

با توجه به این که این مطالعه به دستکاری متغیر ها دست نمی زند و فقط به اندازه گیری آنها می پردازد، از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. تعداد ۱۲۲ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه در سال ۹۵-۱۳۹۴ جامعه مورد مطالعه به عنوان نمونه در این تحقیق شرکت کردند. روش های آماری مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون، آزمون t استودنت در گروه های مستقل و تحلیل واریانس بود.

ابزار اندازه گیری

۱- پرسشنامه هوش عاطفی شرینگ که پنج مؤلفه خودآگاهی، مدیریت خود، آگاهی اجتماعی، مهارت های اجتماعی و خودآگاهی را مورد سنجش قرار می دهد؛ استاندارد بوده که در داخل کشور توسط منصوری (۱۳۸۱) اعتباریابی شده و در این پژوهش اعتبار صوری و محتوایی و پایایی پرسشنامه مجدداً مورد ارزیابی و هنجاریابی قرار گرفته است. ضرایب پایایی کل آزمون ۰/۸۴ بوده است.

۲- پرسشنامه مهارت های ارتباطی برتون سه مؤلفه مهارت کلامی، مهارت شنود و مهارت بازخورد را مورد سنجش قرار می دهد. این پرسشنامه استاندارد بوده که در داخل کشور توسط رضایی (۱۳۸۰) اعتباریابی شده و در این پژوهش اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه مجدداً مورد ارزیابی و هنجاریابی قرار گرفته است. آلفای کرانباخ ۰/۸۹ گزارش شده است.

۳- پرسشنامه محقق ساخته: برای گرفتن مشخصات عمومی از آزمودنی ها، محقق پرسشنامه ای کوتاه مشتمل بر ۲ سؤال تنظیم و آن را ضمیمه پرسشنامه ها کرد. مشخصاتی که در این پرسشنامه درخواست شدند عبارت بود از: جنسیت و سن آزمودنی بر حسب سال.

یافته ها

فرضیه ۱:

بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۱: ارتباط هوش عاطفی با راهبرد کنترل در دانش آموزان تحت بررسی

گزینه	شاخص آماری	تعداد (N)	ضریب همبستگی پیرسون	مقدار احتمال P-value
متغیرهای هوش عاطفی (EI) و راهبرد کنترل (C.S)		۱۲۲	-۰/۴۴۳۹	<۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد کنترل در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط بین این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد، یعنی هر اندازه هوش عاطفی بالا باشد احتمال استفاده از راهبرد کنترل کمتر می شود و بالعکس.

فرضیه ۲:

بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۲: ارتباط هوش عاطفی با راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی

گزینه	شاخص آماری	تعداد (N)	ضریب همبستگی پیرسون	مقدار احتمال P-value
متغیرهای هوش عاطفی (EI) و راهبرد عدم مقابله (A.S)		۱۲۲	-۰/۱۵۹	۰/۱۰۸۹

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد مذکور در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد. پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۳:

بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرایی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۳: ارتباط هوش عاطفی با راهبرد راه حل گرایی در دانش آموزان تحت بررسی

گزینه	شاخص آماری	تعداد (N)	ضریب همبستگی پیرسون	مقدار احتمال P-value
متغیرهای هوش عاطفی (EI) و راهبرد راه حل گرایی (Col.S)		۱۲۲	۰/۴۲۵۸	<۰/۰۰۰۱

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. برخلاف دو فرضیه قبلی این دو متغیر در یک جهت تغییر می کنند، یعنی دانش آموزی که از هوش عاطفی بالایی برخوردار باشد، با احتمال بیشتری راهبرد راه حل گرایی را انتخاب می کند و بالعکس.

فرضیه ۴:

بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۴: ارتباط مهارت های ارتباطی با راهبرد کنترل در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۰۰۵۹	-۰/۶۵۴۳	۱۲۲	متغیرهای مهارت های ارتباطی (C.S) و راهبرد کنترل (C.S)

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد کنترل در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی دانش آموزان بالا باشد احتمال انتخاب راهبرد کنترل کمتر است و بالعکس.

فرضیه ۵:

بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۵: ارتباط مهارت های ارتباطی با راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۰۰۱۲	-۰/۴۵۸	۱۰۳	متغیرهای مهارت های ارتباطی (C.S) و راهبرد عدم مقابله (A.S)

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد عدم مقابله در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی دانش آموزان بالا باشد احتمال انتخاب راهبرد عدم مقابله کمتر است و بالعکس.

فرضیه ۶:

بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرایی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۶: ارتباط مهارت های ارتباطی با راهبرد راه حل گرایی در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۰۰۵۱	۰/۵۵۰۱	۱۰۳	متغیرهای مهارت های ارتباطی (C.S) و راهبرد راه حل گرایی (Col.S)

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. بر خلاف دو حالت قبلی در اینجا ارتباط بین این متغیر مثبت می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی یک دانش آموز بالا باشد، احتمال استفاده از راهبرد راه حل گرایی بیشتر می شود و بالعکس.

فرضیه ۷:

بین جنسیت و انتخاب متغیر ها در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۷: ارتباط بین جنسیت و انتخاب متغیر ها دانش آموزان تحت بررسی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین	آزمون t		
						ارزش t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱-راهبرد کنترل	زن	۱۵	۲/۹	۱/۱۷۴	۰/۳۰۳۲	۱/۱۸	۱۰۰	۰/۲۴
	مرد	۸۷	۲/۵۶	۰/۰۱۱	۰/۱۰۸۴			
۲-راهبرد راه حل گرای	زن	۱۵	۳/۸۳۹	۰/۸۱۴	۰/۲۱۰۲	-۰/۸۹	۱۰۰	۰/۳۷۴
	مرد	۸۷	۴/۳۲	۱/۰۰۴	۰/۱۰۷۶			
۳-راهبرد عدم مقابله	زن	۱۵	۲/۹۶۵	۰/۶۴۵	۰/۱۶۶۵	۱/۰۹	۱۰۰	۰/۲۷۷
	مرد	۸۷	۲/۵۶۶	۰/۷۷۹	۰/۰۸۳۵			

۱- با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون تفاوت میانگین ها (آزمون t) مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که میانگین نمرات راهبرد کنترل دختران معادل ۲/۹ و پسران معادل ۲/۵۶ می باشد، همچنین t محاسبه شده با درجه آزادی ۱۰۰ برابر با ۱/۱۸ می باشد. با توجه به اینکه $P\text{-value} = ۰/۲۴ > ۰/۰۵$ می باشد، پس این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

۲- بین جنسیت و انتخاب راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

۳- بین سن و انتخاب راهبرد کنترل در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $P\text{-value} = ۰/۴۶۷۸ > ۰/۰۵$ ، پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۸:

بین سن و انتخاب راهبرد کنترل در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۸: ارتباط سن با انتخاب راهبرد کنترل در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۴۶۷۸	-۰/۰۷	۹۹	متغیرهای راهبرد کنترل (C.S) و سن (Age)

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $P\text{-value} = ۰/۴۶۷۸ > ۰/۰۵$ ، پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۹:

بین سن و انتخاب راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۹: ارتباط سن با انتخاب راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۲۱۳۶	۰/۱۲۶۱	۹۹	متغیرهای راهبرد کنترل (A.S) و سن (Age)

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $P\text{-value} = ۰/۲۱۳۶ > ۰/۰۵$ پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۱۰:

بین سن و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

جدول ۱۰: ارتباط سن با انتخاب راهبرد راه حل گرایی در دانش آموزان تحت بررسی

مقدار احتمال P-value	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد (N)	شاخص آماری گزینه
۰/۰۰۱۴	۰/۳۴	۹۹	متغیرهای راهبرد راه حل گرایی (Col.S) و سن (Age)

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد $P\text{-value} = ۰/۰۰۱۴ < ۰/۰۵$. پس، این فرضیه رد می شود؛ بنابراین می توان گفت، که هر اندازه سن دانش آموزان بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که از راهبرد راه حل گرایی استفاده نمایند.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه ۱: بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری وجود ندارد.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد کنترل در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط بین این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد، یعنی هر اندازه هوش عاطفی بالا باشد احتمال استفاده از راهبرد کنترل کمتر می شود و بالعکس.

فرضیه ۲: بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد مذکور در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد. پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۳: بین هوش عاطفی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرایی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین هوش عاطفی و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. برخلاف دو فرضیه قبلی این دو متغیر در یک جهت تغییر می کنند، یعنی دانش آموزی که از هوش عاطفی بالایی برخوردار باشد، با احتمال بیشتری راهبرد راه حل گرایی را انتخاب می کند و بالعکس.

فرضیه ۴: بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد کنترل ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد کنترل در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی دانش آموزان بالا باشد احتمال انتخاب راهبرد کنترل کمتر است و بالعکس.

فرضیه ۵: بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد عدم مقابله ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد عدم مقابله در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. البته ارتباط این دو متغیر از نوع معکوس (منفی) می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی دانش آموزان بالا باشد احتمال انتخاب راهبرد عدم مقابله کمتر است و بالعکس.

فرضیه ۶: بین مهارت های ارتباطی دانش آموزان و انتخاب راهبرد راه حل گرایی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول و فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین مهارت های ارتباطی و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد. پس، این فرضیه رد می شود. بر خلاف دو حالت قبلی در اینجا ارتباط بین این متغیر مثبت می باشد. یعنی هر اندازه مهارت های ارتباطی یک دانش آموز بالا باشد، احتمال استفاده از راهبرد راه حل گرایی بیشتر می شود و بالعکس.

فرضیه ۷: بین جنسیت و انتخاب متغیرها در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون تفاوت میانگین ها (آزمون t) مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که میانگین نمرات راهبرد کنترل دختران معادل ۲/۹ و پسران معادل ۲/۵۶ می باشد، همچنین t محاسبه شده با درجه آزادی ۱۰۰ برابر با ۱/۱۸ می باشد. با توجه به اینکه $P\text{-value} = 0.24 > 0.05$ می باشد، پس این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد. بین جنسیت و انتخاب راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد. بین سن و انتخاب راهبرد کنترل در دانش آموزان

تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $= ۰/۴۶۷۸ > P\text{-value}$ پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۸: بین سن و انتخاب راهبرد کنترل درد دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $= ۰/۴۶۷۸ > P\text{-value}$ پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۹: بین سن و انتخاب راهبرد عدم مقابله در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود ندارد $= ۰/۲۱۳۶ > P\text{-value}$ پس، این فرضیه مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه ۱۰: بین سن و انتخاب راهبرد راه حل گرایی در دانش آموزان تحت بررسی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

با توجه به اطلاعات جدول فرضیه مذکور با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون مورد آزمایش قرار گرفت؛ نتیجه نشان داد که بین این دو متغیر در سطح آلفا ۰/۰۵ ارتباط معنی داری وجود دارد $= ۰/۰۰۱۴ > P\text{-value}$. پس، این فرضیه رد می شود؛ بنابراین می توان گفت، که هر اندازه سن دانش آموزان بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که از راهبرد راه حل گرایی استفاده نمایند.

پیشنهادهای تحقیق :

- ۱- پیشنهاد می شود که اجرای این تحقیق در سایر جوامع و مقایسه نتایج حاصل با یکدیگر انجام گیرد.
- ۲- پیشنهاد می شود اجرای این تحقیق با دامنه سنی گسترده تر به منظور مطالعه تاثیر متغیرهای دیگر بر بهزیستی روانشناختی انجام گیرد.

منابع

- (۱) اسدی، جواد (۱۳۸۲). «بررسی رابطه بین هوش عاطفی و فرسودگی شغلی و سلامت روانی کارکنان مرد شرکت ایران خودرو» (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- (۲) قلی پور، سیمین و جواد مصرآبادی، ۱۳۹۶، رابطه مهارت های ارتباطی و رشد اجتماعی دانش آموزان با میزان بی انضباطی، پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- (۳) کرمی، زهرا، ۱۳۹۴، تاثیر هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی در مدارس، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدا.
- (۴) کیدوری، امیرحسین؛ زهرا احمدنیا و ندا عاقبتی، ۱۳۹۶، رابطه بین هوش عاطفی و ابعاد هویت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- (۵) میری، شکوه و حبیبه عقیقی بخشایش، ۱۳۹۴، بررسی رابطه مهارت های ارتباطی با موفقیت تحصیلی دختران دوره متوسطه، همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب های اجتماعی، چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار.
- (۶) منصوری، بهزاد (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سبریاشرینگ برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه های دولتی مستقر در تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- 7) Afzalar, Rahim, Clement and others (2002). A Model of Emotional Intelligence, Conflict Management Strategies. A study in seven countries. International journal of organizational analysis
- 8) Coleman, D. (2001). Emotional Intelligent at Work: How to Select for, Measure, and Improve Emotional Intelligence in Individual, Group and organizations. 1st ed. Harvard business review, Boston
- 9) Coleman, D. (1995). Emotional Intelligence: Why it can Matter More than IQ? New York, Bantam Books. <http://trochim>